



یکی از خلأهای فعلی جامعه ما فقدان دیالوگ یا گفت‌وگوی سازنده بین جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که آثار و تبعات خود را در بخش‌های مختلف جامعه به جا گذاشته است. همین که جریان‌های سیاسی در فضای کنونی کشور ما چارچوب مشخصی برای گفت‌وگوی انتقادی با هم ندارند و بیشتر اختلاف‌نظر‌ها به تقابل و رو در رویی و تبدیل کردن جامعه به دوقطبی‌های مختلف می‌شود، ناشی از همین فقدان دیالوگ است. درحالی‌که یکی از ابزارهایی که در جوامع توسعه‌یافته برای

پیشرفت و ارتقا جوامع روی آنها تأکید می‌شود پرداختن به گفت‌وگوی انتقادی و رعایت الزامات این گفت‌وگو و برقراری مذاکره سازنده و تعامل بین جریان‌های سیاسی و اجتماعی با دیدگاه‌های مختلف است. چنانچه این گفت‌وگو شکل بگیرد و بیسن جریان‌های مختلف برقرار شود خیلی‌ی از اختلاف‌نظر‌ها و کشمکش‌های جامعه به تعامل و گفت‌وگو تبدیل می‌شود و به دستاوردها و راهکارهای سازنده برای برون رفت کشور از مشکلاتی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، خواهدانجامید.

نکته دیگر فقدان گفت‌وگو و امتداد یافتن آن به کشمکش‌های سیاسی است که آفتی را متوجه کرده و به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی ما هم کشیده شده است. این آفت چیزی نیست جز سیاست‌زدگی در حوزه‌هایی که به مسائل

## همگرایی در جامعه نتیجه گفت و گو

سیاسی ارتباط ندارد. فقدان برقراری گفت‌وگوی سازنده باعث می‌شود مسائل اجتماعی و فرهنگی با رویکردهای سیاسی تقابلی که بین جناح‌ها به وجود می‌آید از ماهیت خود خارج شود و به اشکال مختلف شاهد سیاست‌زدگی در حوزه‌های فرهنگی واجتماعی باشیم.

رعایت نقد سازنده در قالب یک گفت‌وگوی همه‌جانبه و مذاکرات سומدمن جریان‌های سیاسی می‌تواند مشکلات فرهنگی و اجتماعی که جامعه با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند را برطرف کرده و موجب همگرایی در جامعه شود. در شرایطی که نیاز به همگرایی و وحدت و توافق پیرامون مسائل داخلی به شدت در کشور احساس می‌شود. همچنین می‌شود درخصوص مسائل اجتماعی و فرهنگی فارغ از دیدگاه‌های سیاسی به مسائلی مثل فقر، اعتیاد و بیکاری پرداخت یا در مورد مسائلی که در

**گفت‌وگو شنیدن نظرات دیگران از نگاه «مهدی عیسی زاده»**

# حرف حساب را بپذیریم

افراد آگاه و روشنفکر در مسیر درست تبیین شود تا امکان رویارویی با واقعیت‌های جامعه فراهم شود. در حال حاضر همگان می‌دانند ما دچار مشکلات و معضلات عدیده‌ای در بخش‌های مهم مدیریت اقتصادی و اجتماعی هستیم، بسیاری خود را به نشنیدن این مسائل زده‌اند و از کنار آنها به راحتی می‌گذرند. بسیاری از افراد با وجود آن‌که تحصیلات

آکادمیک خود را در بهترین رشته‌های دانشگاهی سپری کرده‌اند، اما هنوز نمی‌توانند به درستی نظرات و خواسته‌های خود را به دیگران انتقال دهند و شاید دلیل اصلی آن‌ که فرهنگ گفت‌وگو میان مردم ما به خوبی رواج ندارد، همان است که هنوز نتوانسته‌ایم با دلیل و منطق حرف خود را به دیگران برزیم و حرف عقلایی و منطقی دیگران را هم بدون جبهه‌گیری و غرض بپذیریم. این مسأله از سطح

کلان مدیریتی تا پایین‌ترین رده اجتماعی وجود

### دیگر زمان آن نیست که با

**زور و ارعاب حرف‌های خود را به دیگران تحمیل کنیم. باید بپذیریم در مقابل وظایف خود پاسخگو باشیم. از انتقاد نهراسیم. البته معتقدم انتقاد باید سازنده باشد نه انتقام‌گیری**

### مستولان همواره در صدد حل بحران بعد از وقوع

حوزه زنان وجود دارند گفت‌وگوهایی را ایجاد کرد. این راه‌حل فارغ از نگاه سیاسی که جناح‌ها نسبت به طرف‌های مقابل دارند به‌عنوان یک راهکار در شرایط فعلی برای برون‌رفت از این تقابل‌ها و کشمکش‌ها که تأثیر منفی در فضای عمومی جامعه دارند، می‌تواند مفید باشد. در نتیجه این گفت‌وگو می‌شود به همگرایی که همه جریان‌های دلسوز کشور بر آن تأکید می‌کنند دست پیدا کرد، به‌ویژه در شرایطی که کشور ما در منطقه با آن مواجه است و خطر افراط‌گرایی که ما را تهدید می‌کند و برنامه‌ای که دشمنان خاورمیانه برای به تش کشیدن و ایجاد ناآرامی و خشونت در نظر دارند. آغاز برون رفت از این شرایط و دور کردن کشور از این تهدیدها می‌تواند همین گفت‌وگو باشد. چرا که اگر اصل مذاکره پذیرفته شود خیلی از مشکلات کشور حل خواهد شد.

هستند در حالی‌که می‌توان با کمترین هزینه ممکن از وقوع بحران‌ها در تمامی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی جلوگیری کرد. دیگر زمان آن نیست که با زور و ارعاب حرف‌های خود را به دیگران تحمیل کنیم. باید بپذیریم در مقابل وظایف خود پاسخگو باشیم. از انتقاد نهراسیم. البته معتقدم انتقاد باید سازنده باشد نه انتقام‌گیری. بیشتر مزارع و بخش کشاورزی ما خشک شد با کمبود آب به‌طور جدی برخورد کرده‌ایم، زمانی که از هر کدام از مسئولان ذریبط در مورد آن سوال می‌شود، آن را به مدیران قبل منتسب می‌کنند و به هیچ‌عنوان سهم خود را در ایجاد این همه مشکلات پیش آمده نمی‌پذیرند. زمانی که یاد گرفتیم به گفت‌وگوی گروهی و شنیدن صدای دیگران عادت کنیم آنگاه می‌توان به تغییر روش و رویه سنتی و معیوب خود در گفت‌وگو و بیان انتقادات سازنده پایان دهیم. مطمئنا اگر ظرفیت شنیدن انتقاد و بازبینی در رفتار و عملکرد خود را بیاموزیم می‌توان به ایجاد مدینه فاضله که مورد نظر است دست یافت که تنها با شنیدن نظرات درست دیگران و عمل کردن به آن امکان‌پذیر است.



## نقش رسانه‌ها در ایجاد فرهنگ گفت‌وگو

**| افسر افشار نادری | جامعه‌شناس |**

به‌وضوح می‌بینید. بر در هر خانه‌ای نوشته شده که اگر این‌جا پارک کنید، پنجر می‌کنیم. این نمونه یک نوع خشونت رایج است و یعنی این‌که من خودم فراتر از قانون هستم و به جای این‌که پلیس را خبر کنم، می‌توانم شما را به نتیجه عملتان برسانم و جالب است که نه تنها روی در پارکینگ بلکه در سرتاسر دیوار خانه این جمله را می‌بینید. یادعای جلوی خانه‌شان میله یا گلدان می‌گذارند که کسی پارک نکند. در این‌جا قانون باید وارد شود و گفت‌وگو را یاد بدهد. کدام رسانه را دیده‌اید که بیاید درساره گفت‌وگو صحبت کند؟ کوچه‌جای این کارها نیست. قانون نمی‌آید با مردم

گفت‌وگو کند و رسانه‌ها به مردم آموزش نمی‌دهند. چرا درمورد بسیاری از مسائل که تفاهم داریم یا

### رسانه‌ها عامل ترویج فرهنگ گفتگو



در دنیای مدرن هر واژه‌ای تعریف جدیدی از خود ارایه داده است و از این‌نظر برای هر واژه می‌توان با توجه به متنی که در آن قرار دارد، تعاریف گسترده‌ای ارایه داد. اما آنچه در این تعاریف امکان عملیاتی شدن دارد، دست یافتن به توافقی میان افراد است تا بتوان از این حیث به تعریفی درست و دقیق از واژگان دست یافت. گفت‌وگو نیز از آن دست واژگان است. ما زمانی می‌توانیم در یک متن مشخص به گفت‌وگو بپردازیم که آن متن و افراد مورد توافق باشند. اما در این میان گفت‌وگو تعریف دیگری نیز دارد و آن هم ایجاد ارتباط میان افراد با نظرات متفاوت و حتی مخالف است. در اینجااست که یک فضای انتقادی شکل می‌گیرد و در چنین فضایی است که افراد در حوزه‌های گوناگون احساس امنیت می‌کنند و به راحتی به بیان نظرات خود می‌پردازند. فارغ از چنین فضایی این امکان برای فرد و جامعه وجود نخواهد داشت و افراد از بیان نظرات خود دچار وحشت می‌شوند. چنین جامعه‌ای امکان رشد و بهبود را از خود سلب می‌کند و در نتیجه نبود فضای انتقاد از افراد و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، جامعه دچار رکود می‌شود. در این میان اما چیز دیگری که در دنیای مدرن رخ داده است، خلط مفاهیم گوناگون

### فقدان ارتباطات سازنده

**| زهره واحدی | روانپزشک |**

فرزندانشان بخوانند که با رعایت ادب و احترام از آنان انتقاد کنند. این امر می‌تواند در طولانی مدت عامل ایجاد این روحیه در افراد شود و در نهایت جامعه نیز از ثمرات آن منتفع شود. اما بخشی دیگری که می‌تواند فرهنگ گفت‌وگو در جامعه را شکل دهد، آموزش‌های رسمی در آموزش و پرورش از سوی دیگر رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون است. چرا که در میان حواس شش‌گانه انسان، بیشترین آموزش از طریق دیدن رخ می‌دهد و در واقع ۸۵درصد از مسواری را که می‌پذیریم و در ما

نهاده‌یته می‌شود، از طریق دیدن اتفاق می‌افتد. این درحالی است که در بسیاری از برنامه‌های تولید شده، وقتی افراد را مقابل یکدیگر قرار می‌دهند، افراد توان گفت‌وگو با یکدیگر را ندارند و در اغلب موارد نیز میان آنان بحث و جدل درمی‌گیرد و به همین دلیل امکان انتقاد از یکدیگر نیز سلب می‌شود. به این ترتیب زمانی که افراد در رسانه‌ها شاهد آموزش نادرست هستند و این مورد نیز همواره تکرار می‌شود، بالطبع چنین موردی درون آنان نیز نهادینه می‌شود و در جامعه بسط می‌یابد. به این ترتیب برای آن‌که گفت‌وگوی سازنده و انتقادی در میان افراد یک جامعه به فرهنگ بدل شود، باید با تکرار و آموزش مستمر چنین فضایی را ایجاد و تلاش کرد تا این فرهنگ به منش و رفتار مردم جامعه بدل و از حالت انتزاعی خارج شود.

در درون خود افراد و هم در مناسبات قدرت با افراد جامعه جست. کم‌شدن تعامل افراد با یکدیگر و فقدان ارتباطات سازنده و سالم خود عامل ایجاد انواع سوءتفاهم‌ها در برخورد با یکدیگر شده و می‌تواند عامل نزاع و درگیری را نیز فراهم سازد. متأسفانه درحال حاضر ما هم در حوزه

گفت‌وگو و هم در زمینه انتقادپذیری دارای ضعف هستیم و دلیل اصلی آن نیز نداشتن تمرین در این زمینه و نبود آموزش درست و اصولی است. نخستین بخشی که می‌تواند در این راستا موثر باشد، خانواده است. چرا که نخستین کارکردی که خانواده می‌تواند برای فرد ایفا کند، همانا آموزش تعامل و گفت‌وگوی سازنده است. پدر و مادر همچنین می‌توانند انتقادپذیری را نیز در فرزندانشان به‌عنوان رفتاری شایسته و درست نهادینه کنند و حتی می‌توانند برای این‌ امر از

### نگاه جامعه شناس

## رسانه‌ها عامل ترویج فرهنگ گفتگو

با یکدیگر است. چنانچه بعضا واژه‌ای چون گفت‌وگو با گفتمان نیز اشتباه گرفته می‌شود و این در حالی است که این دو واژه در معنا و همچنین موارد استفاده با یکدیگر بسیار متفاوتند و از جمله دلایل این امر را نیز می‌توان مشکلاتی دانست که ترجمه‌های نادرست با خود به همراه آورده است. اما نبود فضای گفت‌وگوی سازنده و همچنین نداشتن روحیه انتقادپذیری از جمله مشکلات ریشه داری است که متأسفانه ما در سطوح گوناگون سیاسی و اجتماعی با آن درگیریم. نه تنها در خانواده و آموزش‌های رسمی، بلکه در رسانه‌ها نیز به خوبی به آن پرداخته نمی‌شود و حتی در بسیاری از موارد به صورت معکوس، عمل می‌شود. به صورتی که مسا همواره هم در خانواده و هم در آموزش‌های رسمی خود و در مدارس و دانشگاه‌ها با این مشکل مواجهیم که هر گز انتقاد از خود و دیگری تقویت نمی‌شود و از سوی دیگر همواره در تمام سطوح درصدد سرکوب آن نیز هستند. بر این اساس نه تنها در پایین‌ترین سطوح، بلکه در سطوح بالایی نیز با عدم درک از گفت‌وگو و گفت‌وگوی سازنده و انتقادی مواجهیم که تنها راهکار رهایی از آن نیز داشتن رسانه‌های آزاد و تمرین برای بسط شیوه‌های گفت‌وگوست که این امر نیز در ابتدا باید از خانواده و پس از آن در محیط‌های آموزشی چون مدرسه، دانشگاه و ... یگیری شود. اما در این میان رسانه‌ها می‌توانند اثر گذاری دوچندان داشته باشند و برای این اثر گذاری نیز بدون شک نیازمند تغییرات بنیادین هستند.

### در پیچه

### پایان دوره گفت‌وگوهای یکطرفه

در جهان کنونی در پی گسترش روحیه استدلال‌گرایی نمی‌توان تفکر را به دیگران دیکته کرد. در چنین شرایطی اندیشه‌ها فضای خود را از استدلال می‌گیرند، از این رو دوره گفت‌وگوی یک طرفه به پایان رسیده است. استدلالی که از طریق گفت‌وگو انجام می‌شود مبنای پذیرش یک عقیده است. ما اگر بر این اصل پایبند باشیم می‌توانیم فرهنگ گفت‌وگو را گسترش دهیم. فرهنگ حاکم بر جامعه ما به جای استقبال از اندیشه‌های جدید بیشتر در پی حذف و تعامل‌ها به طرف مقابل می‌زنند نشان ما کاملا محسوس است. ما در ادبیات‌مان تعبیری که نشانگر فرهنگ گفت‌وگو باشد، نداریم و خیلی از حرف‌ها و نظرات‌مان را به

صورت قاطع بیان می‌کنیم. این تخطئه کردن نه تنها در بخش‌های سنتی بلکه در فضای روشنفکری نیز وجود دارد. متأسفانه فضای روشنفکری نیز اقتدارگرایانه است و روشنفکران ما نیز تحمل عقیده مخالف را ندارند و به جای گفت‌وگو به برخوردهای تند و ناسزا گفتن به یکدیگر روی می‌آورند. بنابراین فرهنگ گفت‌وگو نه تنها در بخش‌های سنتی جامعه بلکه در بخش‌های مدرن آن نیز دچار مشکل است. زبان‌های نیش‌دار و کنایه‌هایی که افراد در حرف‌زدن و تعامل‌ها به طرف مقابل می‌زنند نشان می‌دهد که گفت‌وگو در کشور ما با مصائبی مواجه است و نتوانسته‌ انطور که باید در فرهنگ مردم نفوذ کند.